

بررسی اعتراضات روزهای گذشته کشور بادو فعال صنفی وفرهنگی

جامعه در انتظار پاسخ روشن است



اعتراض‌ها و تظاهرات گسترده مردم در روزهای گذشته در نقاط مختلف کشور که ناشی از نارضایتی مردم از وضعیت موجود جامعه بوده، واکنش‌های بسیار زیادی را به همراه داشت. اعتراض‌هایی که از وضعیت اقتصادی شروع و کم‌کم به عرصه‌های سیاسی کشیده شد. آغاز اعتراض‌ها در خیابان‌های مشهد بود و خیلی زود به تمام شهرهای ایران رسید. عده‌ای در این تظاهرات کشته و عده‌ای نیز زخمی شدند. افراد بسیاری این اعتراضاتی که به خشونت کشیده شده بود، محکوم کردند و گفتند راه رسیدن به آرامش این است که در برابر مطالبات و اعتراضات مردم با زبان مدارا برخورد کرد اما واقعا دلیل این نارضایتی چیست و دولت چگونه می‌تواند به شکلی منطقی برای رفع این نارضایتی اقدام کند؟ رفع بیکاری و مشکلات معیشتی، یکی از مطالبات مردم است که باید به آن پاسخ روشنی داده شود. این موضوع را همراه با دو فعال کارگری و فرهنگی بررسی کرده‌ایم. نکته جالبی که این فعالان به آن اشاره می‌کنند، این است که نباید مطالبات مردم به صورت چکنی برخورد کرد و باید حرف‌شان را گوش داد و به مطالبات‌شان رسیدگی کرد. از سوی دیگر نباید چنین مطالباتی به خشونت کشیده شود و این راه درستی برای گرفتن حق و حقوق نیست. موضوع دیگری که به آن اشاره می‌شود، این است که بارها فعالان صنفی برای گرفتن مجوز قانونی به مجلس مراجعه کرده‌اند اما هیچ پاسخی نگرفته‌اند.

اعتراضات معلم‌ها کف خیابانی نیست

مهدی بهلولی، عضو شورای صنفی بازنشتگان در این باره می‌گوید: به نظر من اولین نکته‌ای که دولت و حاکمیت باید از این اعتراضات بگیرد، این است که به بخش‌های ضعیف جامعه و خواسته‌های‌شان توجه جدی داشته باشد، نه اینکه به قول معروف بخواهد با آن بازی کند و جدی‌شان نگیرد. ما در کانون صنفی معلمان که از سال ۷۸ تشکیل شده است، به مناسبت بزرگداشت روز معلم درخواست تجمع مقابل مجلس را داشته‌ایم اما هیچ جوابی به ما ندادند. معلم‌ها از افسار فرهنگی جامعه هستند و مطالبات‌شان را به صورت منگتنگ می‌بینی می‌کنند. الان ۱۷ سال است که ما حتی اجازه یک تجمع را هم ندادند. این در حالی است که معاون سیاسی وزارت کشور با رسانه‌ها صحبت کرده و گفته است اگر تجمعات خراف نوانیس مردم باشد، اجازه آن را نمی‌دهیم. این صحبت‌ها اصلا در شأن معلم‌ها نیست که گفته شود. از طرف دیگر در دولت نهم و دهم کسی حتی اجازه نفس کشیدن را هم نداشت. کارمندان دولت در دولت دهم ۵ درصد اضافه حقوق قانونی‌شان را روی هم رفته از دست دادند. طبق قانون خدمات کشوری، هر سال دست کم معادل تورم رسمی به حقوق‌شان اضافه شود؛ مثلا اعلام می‌شد تورم ۴ درصد است (که شاید بیشتر از این میزان هم بود) اما ۱۵ درصد به حقوق ما اضافه می‌شد. ما معلم‌ها هر چه تلاش می‌کردیم تا مجوز تجمع بگیریم اما موافقت نمی‌کردند. وی تأکید می‌کند: در دوران آقای روحانی هم به ما اجازه تجمع قانونی داده نشد. ما هر چه در دولت یازدهم هم تلاش کردیم، مجوز تجمع به ما داده نشد. این در حالی است که اعلام کرده بودند ما برای انصاف مجوز تجمع می‌دهیم که هیچ وقت اجرا هم نشد. یکی از اصنافی که در تمام این سال‌ها معترض بوده، معلمان بودند که هیچ وقت جوابی به آن‌ها داده نشده است و دریغ از نامه‌ای که به درخواست‌های ما جواب بدهند. البته ما تجمعات مان را بر گزار می‌کردیم، گاهی وقت‌ها نماینده‌ای از داخل مجلس می‌آمد و با ما صحبت می‌کرد و گاهی هم بی‌جواب می‌ماند. البته صحبت



محمد رضا داعی:

چیزی که باعث تورم می‌شود، افزایش حقوق‌های کلان‌و درآمدهایی که یک‌شبه به عده‌ای می‌رسد. این فعال کارگری ادامه می‌دهد: هر بینه‌های یک خانواده که در تهران زندگی می‌کنند، نزدیک به دو میلیون تومان است اما هزینه توری که به طور مثال برای خرید خوار و بار می‌دهد هر سال اضافه می‌شود؛ بی‌آنکه مبلغی به حقوق آن‌ها اضافه شود. این طور است که کارگرها هر روز ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌شوند. الان حقوقی که کارگران بازنشسته می‌گیرند، اصلا در حد یک زندگی مجردی هم نیست؛ چه برسد به اینکه بخواهند در آن سن و سال هزینه خرج و مخارج زندگی را بدهند. بعضی‌های‌شان تنها ۲۵ تا ۷۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند و این برای زندگی و مخارج امروز چیزی شبیه به شوخی است. می‌گویند صنایع ما خوابیده، اما باید دید که آیا بالایشگاه‌های نفت و گاز ما سودآوری ندارند؟ آیا پتروشیمی‌های شنیده‌شده است. مردم اگر خواسته‌ها و مطالبات‌شان حتی در سطح پایین هم برآورده شود، برای اعتراض به کف خیابان نمی‌آیند. معمولا ما قشر کارگری در خواسته‌های مان را برای تجمعات در روز کارگر و

گفت، حاکمیت باید از زور و فشار بر مردم دوری کند. باید مردم را دعوت کنند تا در اماکن مشخصی جمع شوند و اعتراض‌های‌شان را به صورت مدنی به گوش مسئولان برسانند. باید نمایندگان این اعتراضات با مسئولان و حاکمیت گفت‌وگو کنند و خواسته‌های‌شان را به گوش آن‌ها برسانند. با مردم باید صادقانه برخورد کرد و زبان زور و آراء امنیتی هیچ وقت پاسخگو نیست. رسانه ملی باید حرف دل مردم را منعکس کند و امنیت را به دل‌های مردم برگرداند. طوری که مردم این احساس را کنند که حداقل نوعی آزادی بیان در جامعه وجود دارد. آقای روحانی گفته مبلغ کل بودجه امسال حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان است که ۲۰ هزار میلیارد تومان آن دست دولت نیست. مردم واقعا این حق را دارند که بگویند نصف بودجه مملکت، کجا در حال خرج شدن است.

سال هاست در خواست مجوز می‌دهیم اما جوابی نمی‌دهند

محمد رضا داعی، فعال کارگری نیز با اشاره به مطالبات بسیار کارگران می‌گوید: من فکر می‌کنم این قضایی که ایجاد شده تا چند روز آینده آرام‌تر می‌شود اما مهم این است که به مطالباتی که منجر به این ناآرامی‌ها و اعتراض‌ها شده و عرصه را به مردم تنگ کرده، پاسخی داده شود. این اعتراض‌ها عمومی است و درخواست‌ها بخش زیادی از مردم است که مطالبات‌شان شنیده نشده است. مردم اگر خواسته‌ها و مطالبات‌شان حتی در سطح پایین هم برآورده شود، برای اعتراض به کف خیابان نمی‌آیند. معمولا ما قشر کارگری در خواسته‌های مان را برای تجمعات در روز کارگر و



مهدی بهلولی:

یکی از اصنافی که در تمام این سال‌ها معترض بوده، معلمان بودند. معلمان بوده‌اند که هیچ وقت جوابی به آن‌ها داده نشده است و دریغ از نامه‌ای که به درخواست‌های ما جواب بدهند. البته ما تجمعات مان را بر گزار می‌کردیم، گاهی وقت‌ها نماینده‌ای از داخل مجلس می‌آمد و با ما صحبت می‌کرد و گاهی هم بی‌جواب می‌ماند. البته صحبت‌ها تنها در حد حرف بود و هیچ وقت به ما حله عمل نمی‌رسید

می‌کند. تجمع‌های اعتراضی کارگران مقابل مجلس، بیشتر به خاطر افزایش سطح پایه حقوق‌شان است. در کشورهایی مانند مکزیک و برزیل بیشتر از حقوق ۹۰ هزار تومان ماهیانه را بدون درخواست پرداخت می‌کنند، در حالی که ما برای دریافت حقوقی کمتر از این مقدار هم باید به طور مداوم مطالبه‌گری کنیم که اغلب به نتیجه نمی‌رسد. اصل خواسته‌های ما در تجمع‌های کارگری این است که حداقل افزایش حقوق

برسش‌های بی‌پاسخ و ابهام‌های زیادی همراه با مطالبات بحق در گروه‌هایی زیادی از مردم وجود دارد که اعتنا به آن می‌تواند بخش مهمی از مشکلات این روزهای کشور را حل کند؛ اعتنایی که سال‌ها از سوی دولتی‌ها صورت نگرفت تا اکنون غده‌ای بزرگ در بخش مهمی از بدنه اجتماعی کشور باشد

بر اساس نیاز باشد. من ماهی ۹۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم و باید ماهی ۵۰۰ هزار تومان اجاره‌خانه بدهم، به نظر شما می‌شود یا ۴۰۰ هزار تومان یک خانواده پنج نفری را در یک ماه اداره کرد. ما هر ماه حق بیمه مان را پرداخت می‌کنیم اما نمی‌توانیم از خدمات بیمه‌ای گرانقیمت استفاده کنیم. الان در آمد من از حداقلی‌ها بیشتر است اما هر ماه برای اداره زندگی‌ام باید پول قرض بگیرم. ای کاش صداوسیما این اعتراضات را پوشش می‌داد تا مردم از حقیقت ماجرا باخبر می‌شدند. به گفته وی، مسئولان همایش می‌گذارند و جلسه می‌گیرند اما خروجی آن مهم است. با وجود اینکه بیش از ۸۰ درصد از کارگزاران ۲۵ تا ۲۵۰ نفر کارگر دارند و وسعت جمعیتی کارگرانی که از آن‌ها سرامش می‌کنند، روز به روز در حال افزایش است اما تعداد بازرسان ادارت کار، برای حضور در محیط‌های اینچنینی که قوانین کار اجرا نمی‌شود، افزایش نیافته است. نقش انکارناپذیر واحدهای تولیدی در تحولات اجتماعی معاصر، مدت‌هاست که این نگاه‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی در معرض تعطیلی قرار گرفته‌اند و اکنون بخش قابل توجهی از کارفرمایان درصدد برآمده‌اند تا به منظور افزایش بازدهی سرمایه از طریق دور زدن قوانین حمایتی، کارگاه‌های کوچک «بین‌راهی» و «زیرپله‌ای» را دایر کنند. این در حالی است که کارگران این کارگاه‌ها، نه در لیست‌های بیمه‌ای قرار می‌گیرند و نه قرار دادهای کوتاه‌مدت سه ماهه و یک ماهه دارند؛ در نتیجه اثبات هرگونه رابطه کارگری و کارفرمایی عملا برای کارگر ممکن نیست. متأسفانه کارفرمایان با علم بر این تخلف آشکار خود، بدون هیچ دغدغی در جلسات رسیدگی به شکایات هیات‌ها، شرکت نمی‌کنند. وی تصریح می‌کند: در برخی از موارد نیز کارفرمایان وجود شرکت در جلسه به داشتن رابطه کارگری و کارفرمایی اقرار نمی‌کنند یا مقدار کمتری از واقعیت را قبیل و مابقی را تکلم می‌کنند. از سوی دیگر، هیات‌ها نیز برای چنین پرونده‌هایی به علت کم بودن تعداد بازرسان کار، در درخواست ارسال بازرس نمی‌کنند هر چند می‌توانند از اعضای هیات، چه کارمند اداره کار یا نماینده کارفرمایان، کارگران و سایر رابه‌عنوان بازرس معرفی کنند. حتی در صورت حضور بازرس، کارگر به خاطر مواجه شدن با غضب کارفرما و اخراج بازرسان تأمین اجتماعی و ادارات کار، محسبت نمی‌کنند. از سوی دیگر در مواردی پیش می‌آید که کارفرما از اینکه بازرسان قرار است چه زمانی برای بازرسی حضور یابد، مطلع هستند و در هنگام بازرسی کارگر را از چشم بازرس پنهان می‌کنند. خلأقانونی در این بخش از اقتصاد، موجب تضییع گسترده حقوق کارگران شده است. کارگر نباید از ترس اخراج و نبود امنیت شغلی از شکایت از کارفرما ترسد و چشم بر ابتدایی‌ترین حقوق خود ببندد و باید اخلاق قانونی موجود در این بخش را از میان بردهمان طور که از صحبت‌های دو فعال کارگری و فرهنگی بر می‌آید، برسش‌های بی‌پاسخ و ابهام‌های زیادی همراه با مطالبات بحق در گروه‌های زیادی از مردم وجود دارد که اعتنا به آن، می‌تواند بخش مهمی از مشکلات این روزهای کشور را حل کند. اعتنایی که سال‌ها مورد توجه قرار نگرفت تا اکنون غده‌ای بزرگ در بخش مهمی از بدنه اجتماعی کشور باشد.

نیمچه گزارش

زلزله زدگان به فکر خودشان باشند

معزل کانکس‌های یک بار مصرف!

عابد کریمی



استفاده در کانکس است که باید توجه شود نوع ضعیف آن به مقاومت این اتاقک‌ها لطمه وارد می‌کند. پروفیل باید قدرت کافی برای جوشکاری داشته باشد و این قابلیت جوشکاری موجب استحکام و یکدست شدن فلز خواهد شد. پروفیل‌های موجود در دیوارهای کانکس نباید بیش از حد نازک باشد بلکه باید از مقاومت حداقلی برای ایمن نگه داشتن جان انسان بر خوردار باشد. برای ستون‌های کانکس باید از ناودانی و تیر آهن مناسب استفاده شود، بنده حداقل سایز ناودانی و تیر آهن مورد استفاده در کانکس را به طور مثال ناودانی ۱۲ سنگین می‌دانم، در صورتی که شاید بهتر باشد از موردی مستحکم‌تر از

بسیار ضعیف است و مقاومت کافی ندارد. پنجره‌ها از جنس آلومینیوم ضعیف ساخته می‌شود. مواد اولیه داخل اتاق از کیفیت خوبی برخوردار نیست و عایق‌بندی بد و نامناسب نیز یکی از مشکلات کانکس‌هایی است که قرار است مدت‌ها خانواده‌ها را از برف، باران، گرما، سرما، طوفان و ... در امان نگه دارند. در این کانکس‌ها از مواد اولیه ضعیف و بی‌کیفیت برای ساخت کف و سقف استفاده شده که منجر به شکستگی، پوسیدگی، پارگی و در نهایت عدم عایق‌بندی استاندارد شده است.

نیروی کار نیست

در این کانکس‌ها به جای ورق ام‌دی‌اف در کف، از ورق سه میلیمتری استفاده شده و سقف آن ایزوگام نمی‌شود. به زودی با بارش برف و باران زمستانی، سرما و آب از درزهای کانکس نفوذ می‌کند و جدازت مشکلاتی که برای خانواده‌ها به وجود می‌آید، طریقت منجر به زنگ زدن و پوسیدگی کانکس خواهد شد. اسحاقیان تصریح کرد: طرح اولیه ساخت کانکس در مناطق زلزله زده، بسیار به صرفه‌تر از ساخت کانکس در شهری دیگر و ارسال آن به منطقه است. ما طرح ارسال مواد اولیه توسط خیرین و ساخت آن در محل را در روزهای ابتدایی پس از زلزله آغاز کردیم ولی متأسفانه از نظر نیروی کاری افراد بومی، هیچ‌گونه همکاری قابل توجهی با گروه‌هایی مانند ما نکردند. شاید اگر مردم مناطق زلزله‌زده برای ساخت کانکس‌های خود اقدام می‌کردند و نیروی انسانی را در کنار مواد اولیه و تخصص ما فراهم می‌کردند، خیلی زودتر از این‌ها می‌توانستیم کانکس‌های لازم در منطقه را فراهم کنیم. در کنار افرادی مانند من که حاضر هستیم برای ساخت کانکس‌ها و اسکان زلزله زدگان در منطقه فعالیت کنیم، خیرین زیادی هم هنوز هستند که حاضرند مواد اولیه ساخت کانکس‌ها را تا پایان فراهم کنند. اما چیزی که مشکل اصلی عدم ساخت کانکس‌هایی استاندارد در منطقه بوده، نبود نیروی کاری لازم است که بتوانند خیلی زود تخصص ساخت کانکس را خودش به دست بیاورند و دیگر به متخصصان غیربومی محتاج نباشند. مجید اسحاقیان در پایان گفت: بسیار جالب توجه است که کانکس‌های غیراستاندارد و وضعیتی که در حال حاضر توسط برخی از اکسپت‌های کمک‌رسانی در منطقه ساخته می‌شود، خیلی هم ارزان‌تر از کانکس‌هایی با حداقل استاندارد نیست. کانکس‌های مناسب با حداقل استاندارد که ما در حال حاضر مشغول به ساخت آن هستیم با هزینه‌ای حدود پنج میلیون و ۲۰۰ هزار تومان آماده استفاده و اسکان زلزله زدگان هستند اما کانکس‌های ضعیف و سبکی که کمتر از یک سال دوام دارد و مشکل اسکان را چندبار به زنده می‌کند، حداقل چهار میلیون تومان هزینه دربر خواهد داشت. این اختلاف یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومانی، فاصله بین ایمنی و عدم ایمنی است که به غیر از ضرر و زیان و پرداخت هزینه بیشتر، ممکن است منجر به حوادث تلخی بشود.